گام چهارم) تنافی اختلاف ساعات کشور وسیع با راتکاز میقات واحد

(29:00)

اما حالا به پهنه وسیعی آمدیم. مثل شرق و غرب ایالات آمریکا؛ این ایالت در شرق و دیگری در غرب است. مثل روسیه و شوروی سابق. یکی کجای شرق است و دیگری کجا اروپا است. خب اینها چه کاره کرده اند؟ ما عملاً می‌بینیم که چه کاره کرده اند. برای هر قاچ جغرافیایی ساعتهای محلی می گذارند. آنها که الآن ماموس‌شان است. نمی‌گویند یک ساعت داشته باشیم. یک ساعت بگذاریم و مواعده کنیم. ما هم باید ماموس بشویم و بگوییم چرا از ادله دست بر داریم؟! شارع به مقصود خودش از میقاتیت رسیده است. اما شما ببینید همین کسانی که ساعتهای محلی دارند، اگر بخواهند ممکنتی با همدیگر میقات ایالات متحده داشته باشند چه کار می‌کنند؟ وقتی می‌گویند ساعت دوازده، چه می‌گویند؟ او می‌گوید ساعت دوازده غرب، او می‌گوید ساعت دوازده شب. اگر می خواهند برای کل ممکنت به‌عنوان یک میقات یک ساعت تعیین کنند، یعنی می خواهند سرِ آن ساعت، مثلا قطارها حرکت کنند. این هواپیماها بلند بشوند. در اینجا چه کار می‌کنند؟ الآن دارند چه کار می‌کنند؟

شاگرد: یک معیّنی دارد.

استاد: آن معیّن چیست؟ ما می‌خواهیم بگوییم این لحظه ؛ در این لحظه همه شلیک کنید، همه بلند شوید، همه حرکت کنید. چه می‌گویید؟

شاگرد: می‌گوییم به ساعت گرینویچ مثلاً.

استاد: احسنت. حالا لازم نیست به گرینویچ باشد. خودشان هم می‌توانند یکی را بگیرند. پس وقتی ارتباطات برقرار شد، نمی‌توانید بگویید آنها ماموس هستند. همان کسانی که با ساعتهای محلی ماموس هستند، وقتی بین آنها ارتباطات برقرار شد، نیاز به تعیین یک میقات دارند.

شاگرد۲: این اعتباری است. مثلاً فرض می‌گیریم در ایران بگوییم در وقت طلوع آفتاب فلان کار را انجام بدهند. خب طلوع آفتاب با هم فرق می‌کنند. ولی آن جا طلوع آفتاب تهران را اعتبار می‌کنیم. این دلیل نمی‌شود که حقیقت طلوع آفتاب در غرب ایران، در ساعت طلوع آفتاب تهران اتفاق بیافتد. الآن میقات شده است. گفتیم طلوع آفتاب میقات است و همه می‌دانند که طلوع آفتاب تهران چه زمانی است. ولی حقیقت را تغییر نمی‌دهد. ما می‌توانیم مشهد روز سی ام است، قم روز اول ماه است. ولی اعتبارا وقتی قرار گذاشتند، می‌توانند اول ماه قم معیار باشد.

استاد: خودمان بگذاریم ای دلیل اثباتی شرعی داشته باشیم؟ اگر همین جوری بگوییم مانعی نیست. من میخواهم بگویم شارع در ادله اثباتیه شئونات مختلف در میقات گسترده ار متکفل شده است. شما میگویید بزنیم، خب به چه میزان؟ چرا بگوییم اول ماه تهران، اول ماه مشهد هم هست، و حال اینکه هنوز تکوینا آن جا ندیده اند؟!

شاگرد: برای آنها ماه نیست و روزه هم نمیگیرند. ولی اسما و تقویما بهصورت اعتباری اول ماه آنها هم هست. یعنی مشکل نیاز کشور با این مسأله حل میشود.

شاگرد۲: در اشهر حرم چه کار میکنید؟ در ماههای حرام اگر در تهران یک قتلی انجام شد، میگوییم ماه حرام است، ولی اگر در مشهد انجام شده باشد حرام نیست. لذا دیه فرق میکند.

استاد: بله، قاضی باید در اینجا تصمیم بگیرد. ماه حرام بوده یا نبوده. در روایت فرمودند «دخل الشهر الحرام»، باید تصمیمگیری بشود.

تازه فرمایش شما بحث را جلو برد. شما میگویید اگر غروب یک جا را نگیریم، شارع به مقصود خودش از میقاتیت نرسیده است. این را قبول کردید یا نکردید؟! یعنی اگر شارع فرموده «يَسْـَٔلُونَكَ عَنِ ٱلْأَهِلَّةِ قُلْ هِيَ مَوَٰقِيتُ لِلنَّاسِ»[1] مواقیت ناس، نه اهل بلدی؛ اگر شما به رأی العین میبینید که نسبت به مسلمین و قاطنین در منطقه ایران اگر میقاتیت را فرض نگیریم غرض شارع فوت میشود، باید چه کار کنیم؟ شارع برای آن چراهای اندیشیده یا نه؟

شاگرد۲: ظاهراً میقاتیت با این دقت قابل تعمیم نیست و نقض میشود.

استاد: اگر این جور باشد که آیه شریفه یک امر بی محتوایی میشود.

شاگرد۲: میقاتیت معنای خاصی است.

استاد: یعنی کل بلد؟! این میقات میشود؟! میقات شمای اهل قم این است و به اهل کاشان کاری ندارد؟!

شاگرد۲: راهی برای تعمیمش ندارم.

استاد: خب صحبت سر این است که داریم یا نداریم. اصلاً ما بهدنبال همین هستیم. ما اول به غامض بودن مسأله برسیم، وقتی تصور کردیم که غامض است، مرحله بعدی وارد شویم. این چیزی که شما میفرمایید، نمیدانید چقدر مطلوب من است که به زبان شما میآید. الآن ذهن شریف شما به جایی میرسد که میگویید راهی نداریم. این خیلی حال ِخوبی است. یعنی احساس اینکه مطلب غامض است. یعنی خیلی وقت ها میگوییم مطلب خیلی واضح است. یک وقتی هم هست که وقتی موضوع باز میشود ذهن به جایی میرسد و میگوید چراهای نداریم. چراهای نداریم یعنی درک معضل بودن موضوع را داریم. یعنی در اینجا گیر هستیم، چه کار کنیم؟! کره هست و دارد دور میگردد. سه حرکت هست، حال میقات میخواهیم یا نمیخواهیم؟ از آن دست بردارید یا بر ندارید؟ شارع از آن دست برداشته یا برنداشته؟ این را چه می فرمایید؟

شاگرد۲: هر چه به حسب خودش است. میقات تا جایی که امکانش هست، آن را تأمین می کند.

استاد: حال چیزی که جلسه قبل عرض کردم را جلوتر بردم. شما میفرمایید شارع برای ایران دست برداشته یا نه؟ الآن ایشان فرمودند مانوس ما این است. ما میگوییم شارع از میقاتیت دست برداشته است یا نه!چه می گویید؟ علی ای حال ما باید معیّن کنیم. الآن در ارتکازی که شما

از شرع دارید، فعلاً در کشور ایران، شارع از میقاتیت دست برداشته ای برنداشته است؟ شما می‌گویید چون مانوس جغرافیای سیاسی شده‌ایم، مانعی ندارد که بگوییم دست برداشته است. خب اگر اینطور گفته می‌شود حرفی ندارم. اما وقتی به آن انسی که خودتان دارید بر می گردید می‌گویید اتفاقا شارع مدافع این میقاتیت است. حالا اگر مدافع این میقات است و ارتکازا شما معیت کرد، حالا اگر مرز سیاسی بین ایران و عراق برداشته شد، مرز دو-سه کشور ار برداشتیم و وسیعتر شد، چه می‌شود؟ نکته این است که وقتی یک مملکت اسلامی وسیع شد، برای جایی که تکوینا ساعت محلی، تقویم محلی کارساز است، شارع هم دستور داده و مشکلی ندارید. اما نکته سرِ این است که میقات هایی دارید که نیاز ارتباطات مردم به وحدتشان است.

شاگرد: وحدت یعنی کره واحد؟

استاد: نه، فعلاً بخشی از آن را می‌گوییم. آلآن نیاز ایرانیها به‌عنوان یک کشور، این است که یک تقویم داشته باشند و الّا میقات ندارند. ساعت محلی دارند؛ مثل آمریکا که شرق و غربش ساعت محلی دارد، در روز دارند یا ندارند؟ ندارند. حالا اگر وسیعتر بشود، مثل شوروی بشوند که روز هم بتواند باشد.

شاگرد: آن طرف خط زمان دارند.

استاد: نه، من می‌خواهم بگویم میقات چقدر اهمیت دارد. نقشه خط زمان را نگاه کنید. به چه صورت است؟ یک خط است که طرف راست و چپ رفته است. چرا؟ چون به میقات نیاز دارند. این قدر میقات مهم است. یعنی میقات به قدری اهمیتش بالا است که خط زمان را زیر پا گذاشته. ما به یک خط [صاف] چه کار داریم؟! لذا در اینجا خط را برای محافظت از میقات به دلخواه خودمان تغییری میدهیم. بنابراین عرض من این است که شارع به میقات خیلی اهمیت میدهد. میقات یعنی نظم. یعنی قاطنین یک منقطه بدانند وقتی یک زمانی را به‌عنوان موعده قرار میدهند، معیّن باشد.

---

[1] البقره ۱۸۹

بازبینی #2
ایجاد شده 26 ژانویه 2026 15:02:04 توسط ... .
به روزرسانی شده 26 ژانویه 2026 15:12:34 توسط ... .